

به نام یزدان پاک

همه سوال های

دکترای تخصصی (Ph.D)

جغرافیای سیاسی

(جلد ۳)

۱۳۹۳-۱۳۹۴

تهیه کنندگان

گروه مولفین

## فهرست مطالب

پیش گفتار.....	۵
<b>آزمون دکترای علوم جغرافیایی - جغرافیای سیاسی ۱۳۹۳</b>	
روش تحقیق در جغرافیا .....	۷
پاسخ نامه روش تحقیق در جغرافیا .....	۱۰
اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک .....	۲۶
پاسخ نامه اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک .....	۲۸
نظریه های جغرافیای سیاسی .....	۴۵
پاسخ نامه نظریه های جغرافیای سیاسی .....	۴۷
<b>آزمون دکترای علوم جغرافیایی - جغرافیای سیاسی ۱۳۹۴</b>	
روش تحقیق در جغرافیا .....	۶۲
پاسخ نامه روش تحقیق در جغرافیا .....	۶۴
اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک .....	۸۰
پاسخ نامه اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک .....	۸۳
نظریه های جغرافیای سیاسی .....	۱۰۵
پاسخ نامه نظریه های جغرافیای سیاسی .....	۱۰۷
منابع.....	۱۲۳



۳۱. در نظام ژئوپلیتیک جهان نتایج روندهای منطقه‌گرایی موجود به چه نتیجه‌ای منتهی می‌گردد؟
- (۱) تبلور مفهوم جهانی شدن
  - (۲) تبلور مفهوم جهان تک قطبی
  - (۳) چند قطبی شدن نظام ژئوپلیتیک جهانی
  - (۴) اهمیت یافتن نهادها و بازیگران غیرحکومتی در مطالعات روابط بین‌الملل
۳۲. مفهوم نظام بین‌المللی یعنی روابط ساختاری .....
- (۱) کشورها با هم
  - (۲) قدرت‌ها با هم
  - (۳) دولت‌ها با هم
  - (۴) نظام‌های منطقه‌ای
۳۳. کدام سیستم‌ها در روابط دولت‌ها و بازیگران سیاسی به صورت دموکراتیک اداره می‌شوند؟
- (۱) باز
  - (۲) بسته
  - (۳) همگرا
  - (۴) واگرا
۳۴. معابر ترانزیتی، خط تقسیم آبهای مرزی و جدایی طلبی اقلیت‌های داخلی در کدام طبقه‌بندی ژئوپلیتیکی قرار می‌گیرند؟
- (۱) بحران ژئوپلیتیکی
  - (۲) چالش ژئوپلیتیکی
  - (۳) کنترل ژئوپلیتیکی
  - (۴) مناره ژئوپلیتیکی
۳۵. در زمان حاضر در تفکرات ژئوپلیتیک کشور روسیه، منظور از حوزه «خارج نزدیک» چیست؟
- (۱) آسیای مرکزی
  - (۲) اروپای شرقی
  - (۳) چهارده جمهوری استقلال یافته از شوروی
  - (۴) قفقاز
۳۶. ژئوپلیتیک فرامردن با چه حادثه‌ای آغاز شد؟
- (۱) پایان جنگ سرد
  - (۲) جنگ دوم خلیج فارس
  - (۳) حادثه (۱) سپتامبر
  - (۴) یکپارچگی ۲ آلمان
۳۷. ابعاد سه گانه مفهومی فضایی برای تعیین پیرامون‌های سرزمینی یک کشور با یک جامعه انسانی کدامند؟
- (۱) سامان، سرحد و مرز
  - (۲) دولت، ملت و حاکمیت
  - (۳) دولت، ملت و نظام اجتماعی
  - (۴) سرزمین، حکومت و مرز
۳۸. مناطقی که به واسطه عواملی همچون جنگ‌های داخلی و اقدامات مداخله جویانه کشورهای همسایه از هم جدا می‌شوند چه نام دارند؟
- (۱) مناطق درهم
  - (۲) مناطق فشار
  - (۳) مناطق بیرونی
  - (۴) نوار شکننده
۳۹. ادامه فضای جغرافیایی حوزه نفوذ قدرت‌ها در ماورای مرزهای بین‌المللی، ..... نام دارد.
- (۱) پسازئوپلیتیک
  - (۲) ژرفای ژئوپلیتیک
  - (۳) عقبه ژئوپلیتیک
  - (۴) حوزه نفوذ ژئوپلیتیک
۴۰. در نظریه ساختار ژئوپلیتیکی کوهن، شبه قاره هند یک منطقه.....
- (۱) مستقل است.
  - (۲) تابع است.
  - (۳) گذرگاهی است.
  - (۴) خردشده و شکننده است.
۴۱. به اقلیت‌های منسجم و دارای سرزمین و فضای جغرافیایی دیرینه اقلیت‌های ..... می‌گویند.
- (۱) اجتماعی
  - (۲) اکولوژیکی
  - (۳) تاریخی
  - (۴) فضایی
۴۲. بخش‌های پهناوری که در ماورای کشورها قرار گرفته‌اند و دارای پویایی ژئوپلیتیک ویژه خود است، چه نام دارد؟
- (۱) قلمرو
  - (۲) سرحد
  - (۳) ناحیه
  - (۴) منطقه
۴۳. مهم‌ترین ویژگی ژئوپلیتیکی سازه‌های چند قطبی متوازن، کدام است؟
- (۱) همکاری بین قطب‌ها
  - (۲) تقابل بین قطب‌ها
  - (۳) رقابت بین قطب‌ها
  - (۴) وفاداری درون سازه قطب‌ها
۴۴. کدام شاخه علمی از نقش آفرینی‌های سیاسی - محیطی در چهارچوب کشور سخن می‌گوید؟
- (۱) علوم سیاسی
  - (۲) ژئوپلیتیک
  - (۳) جغرافیای سیاسی
  - (۴) روابط بین‌الملل
۴۵. ژئوپلیتیک عملی از چه الگوهایی صحبت می‌کند؟
- (۱) رسانه‌ها و فرهنگ عمومی
  - (۲) الگوهای جغرافیایی - سیاسی
  - (۳) دانشگاهیان و تحلیل‌گران
  - (۴) گفتمان و سنت فکری حاکمان
۴۶. نظریه‌ی تکامل منطقه‌ی ژئوپلیتیکی دارای چند مرحله است و مرحله سوم آن چیست؟
- (۱) پنج - سازه‌های ژئوپلیتیکی
  - (۲) چهار - سازه‌ی ژئوپلیتیکی
  - (۳) شش - عقلانیت ژئوپلیتیکی
  - (۴) هفت - پیدایش متغیر سیاسی
۴۷. به ساخت‌های فضایی که منعکس‌کننده روابط متقابل دو یا چند جانبه بین مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی باشند، ساخت‌های ..... گفته می‌شود.
- (۱) تعاملی
  - (۲) گسترشی
  - (۳) نفوذی
  - (۴) سلسله مراتبی
۴۸. ایده نظم نوین جهانی مورد نظر آمریکا، برای اولین بار توسط چه کسی مطرح شد؟
- (۱) میخائیل گورباچف
  - (۲) هانتینگتن
  - (۳) فوکویاما
  - (۴) جورج بوش

۴۹. کدام چالش موجب تغییر شکل مباحث ژئوپلیتیک در دوران نوین شده است؟  
 (۱) انقلاب فناوری اطلاعات، تهدیدات تروریستی  
 (۲) تهدیدات تروریستی و خطرات زیست محیطی  
 (۳) جهانی شدن اقتصاد، انقلاب اطلاع رسانی  
 (۴) جهانی شدن اقتصاد و خطرات زیست محیطی
۵۰. پایان جنگ سرد، باعث بهم خوردن تعادل ژئوپلیتیکی چه موضوعی شد؟  
 (۱) قدرت و سیاست (۲) قدرت و مکان (۳) سیاست و فضا (۴) قدرت و فضا
۵۱. نخستین نظام ژئوپلیتیک جهانی با محوریت کدام قدرت‌ها شکل گرفت؟  
 (۱) آمریکا و شوروی (۲) روسیه و بریتانیا  
 (۳) امپراطوری پارت در ایران و رومیان در اروپا (۴) امپراطوری هخامنشی و امپراطوری یونان
۵۲. تعریف علمی ژئوپلیتیک در قالب یک مفهوم ترکیبی «جغرافیا، قدرت و سیاست» از کیست؟  
 (۱) حافظ نیا (۲) مجتهد زاده (۳) عزتی (۴) دره میرحیدر
۵۳. کدام ژئوپلیتیک زبان حال طبقات تحت سلطه را منعکس می‌سازد؟  
 (۱) ضد ژئوپلیتیک (۲) ژئوپلیتیک مقاومت (۳) ژئوپلیتیک از پایین (۴) هر سه مورد
۵۴. تحلیل بحران سوریه در چارچوب ژئوپلیتیک انتقادی، منطبق بر کدام مورد است؟  
 (۱) توازن قوا (۲) انتقال بحران (۳) جنگ نیابتی (۴) ژئوپلیتیک فرهنگ
۵۵. گئودیفیشر عوامل روانی ناشی از قدرت ملی را در چه می‌داند؟  
 (۱) منابع مستعمراتی، نیروی انسانی و روحیه ملی  
 (۲) استعداد زمین، ثروت‌های زمینی، منابع مالی و توسعه تجارت  
 (۳) انعطاف اقتصادی، مهارت در اختراعات، بردباری و پشتکار  
 (۴) وضع جغرافیایی، پراکندگی جمعیت، مهارت سازمان و سطح فرهنگی
۵۶. منطقه خاورمیانه، اروپای شرقی و قلمرو هارتلند در چه سطحی از آنتروپی قرار دارند؟  
 (۱) پایین (۲) متوسط (۳) بالا (۴) خیلی بالا
۵۷. بروز واگرایی‌های قومی در یک کشور با کدام یک از گفتمان‌های ژئوپلیتیک زیر تبیین می‌شود؟  
 (۱) ژئوپلیتیک مقاومت (۲) ژئوپلیتیک جهانی شدن (۳) ژئوپلیتیک طبیعت‌گرا (۴) ژئوپلیتیک انتقادی
۵۸. مهم‌ترین عرصه‌ی تجلی رابطه جغرافیا و سیاست کدام مورد است؟  
 (۱) ژئوپلیتیک (۲) جغرافیای سیاسی (۳) نظام سیاسی مستقل (۴) آمایش سیاسی دولت
۵۹. عناصر ساختاری و کارکردی مکان و فضای جغرافیایی زمانی ارزش و اعتبار ژئوپلیتیکی پیدا می‌کنند که مورد توجه ..... قرار گیرند.  
 (۱) نظامیان (۲) سیاستمداران (۳) نظامی (۴) سیاست
۶۰. اندیشه تبدیل مباحث ژئوپلیتیک به علم تمام عیار جغرافیای سیاسی توسط چه کسی به واقعیت پیوست؟  
 (۱) پیترتیلور (۲) ژان گاتمن (۳) استیون جونز (۴) ریچارد هارتشورن



۳۱. گزینه ۳)

دلایل صحت گزینه ۳:

- ماهیت منطقه‌گرایی: منطقه‌گرایی به گرایش فزاینده کشورها برای همکاری و همگرایی در سطوح منطقه‌ای اشاره دارد. این امر منجر به تقویت هویت و قدرت منطقه‌ای می‌شود و به کشورهای منطقه قدرت چانه‌زنی بیشتری در عرصه بین‌المللی می‌دهد.
- تاثیر بر نظام ژئوپلیتیک: رشد بلوک‌های منطقه‌ای قدرتمند می‌تواند توزیع قدرت در نظام بین‌الملل را تغییر دهد و از سلطه یک یا دو قدرت بزرگ بکاهد. این امر به نظام چند قطبی منجر می‌شود که در آن قدرت بین چندین کشور یا منطقه توزیع می‌شود.
- مثال: اتحادیه اروپا نمونه‌ای از یک بلوک منطقه‌ای قدرتمند است که در مقابل قدرت ایالات متحده آمریکا و سایر قدرت‌های بزرگ جهانی قدم علم کرده است.
- مقایسه با سایر گزینه‌ها:

○ تبلور مفهوم جهانی شدن: منطقه‌گرایی می‌تواند تسهیل‌کننده جهانی شدن باشد، زیرا تجارت و همکاری بین کشورهای منطقه را افزایش می‌دهد. با این حال، این تنها نتیجه منطقه‌گرایی نیست.

○ تبلور مفهوم جهان تک قطبی: منطقه‌گرایی معمولاً به ظهور یک قدرت جهانی واحد منجر نمی‌شود. در عوض، می‌تواند به توزیع قدرت بین چندین کشور یا منطقه منجر شود.

○ اهمیت یافتن نهادها و بازیگران غیرحکومتی در مطالعات روابط بین‌الملل: منطقه‌گرایی می‌تواند به افزایش نقش نهادها و بازیگران غیر دولتی در سطح منطقه‌ای منجر شود. با این حال، این تنها نتیجه منطقه‌گرایی نیست.

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

- تبلور مفهوم جهانی شدن: منطقه‌گرایی می‌تواند تسهیل‌کننده جهانی شدن باشد، اما این تنها نتیجه منطقه‌گرایی نیست.
- تبلور مفهوم جهان تک قطبی: منطقه‌گرایی معمولاً به ظهور یک قدرت جهانی واحد منجر نمی‌شود.
- اهمیت یافتن نهادها و بازیگران غیرحکومتی در مطالعات روابط بین‌الملل: منطقه‌گرایی می‌تواند به افزایش نقش نهادها و بازیگران غیر دولتی در سطح منطقه‌ای منجر شود، اما این تنها نتیجه منطقه‌گرایی نیست.

۳۲. گزینه ۱)

دلایل صحت گزینه ۱:

- هویت اصلی نظام بین‌المللی: نظام بین‌المللی از کنش‌ها و تعاملات بین کشورها به عنوان واحدهای اصلی سیاسی در سطح جهانی شکل می‌گیرد. این کشورها با یکدیگر روابط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی برقرار می‌کنند.
- ساختار نظام: این روابط و تعاملات بین کشورها ساختار نظام بین‌المللی را تشکیل می‌دهند. این ساختار شامل قوانین، هنجارها، نهادها و قدرت است که روابط بین کشورها را تنظیم می‌کند.
- مثال: سازمان ملل متحد، سازمان تجارت جهانی و پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) نمونه‌هایی از نهادهای بین‌المللی هستند که توسط کشورها برای تنظیم روابط و همکاری در زمینه‌های مختلف ایجاد شده‌اند.
- مقایسه با سایر گزینه‌ها:

○ قدرت‌ها با هم: اگرچه قدرت در نظام بین‌المللی نقش مهمی ایفا می‌کند، اما قدرت ذاتی کشورها است. به عبارت دیگر، قدرت از کنش‌ها و تعاملات بین کشورها ناشی می‌شود.

○ دولت‌ها با هم: دولت‌ها ارگان‌های حاکم در داخل کشورها هستند. نظام بین‌المللی بر روابط بین دولت‌ها متمرکز دارد، نه بر روابط بین خود دولت‌ها.

○ نظام‌های منطقه‌ای: نظام‌های منطقه‌ای زیرمجموعه‌ای از نظام بین‌المللی هستند که بر روابط بین کشورها در یک منطقه خاص متمرکز دارند.

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

- قدرت‌ها با هم: قدرت ذاتی کشورها است و از کنش‌ها و تعاملات بین کشورها ناشی می‌شود.
- دولت‌ها با هم: نظام بین‌المللی بر روابط بین دولت‌ها، نه بر روابط بین خود دولت‌ها متمرکز دارد.
- نظام‌های منطقه‌ای: نظام‌های منطقه‌ای زیرمجموعه‌ای از نظام بین‌المللی هستند.

۳۳. گزینه ۲)

در این سوال، از بین چهار گزینه ارائه شده، گزینه ۳ (همگرا) به عنوان سیستم‌هایی که در روابط دولت‌ها و بازیگران سیاسی به صورت دموکراتیک اداره می‌شوند معرفی شده است.

دلایل صحت گزینه ۳:

- ماهیت نظام‌های همگرا: نظام‌های همگرا بر اساس همکاری و هماهنگی بین دولت‌ها و بازیگران سیاسی بنا شده‌اند. این کشورها اهداف و منافع مشترکی را دنبال می‌کنند و برای حل مسائل و چالش‌های مشترک با یکدیگر همکاری می‌کنند.
- نقش دموکراسی: در نظام‌های همگرا، تصمیم‌گیری‌ها به طور دموکراتیک و با مشارکت دولت‌ها و بازیگران سیاسی ذینفع انجام می‌شود. این امر حکومت مشارکتی و پاسخگویی را در روابط بین‌الملل ترویج می‌کند.
- مثال: اتحادیه اروپا نمونه‌ای از یک نظام همگرا است که در آن کشورها در زمینه‌های مختلف مانند تجارت، اقتصاد، سیاست خارجی و امنیت با یکدیگر همکاری می‌کنند. اتحادیه اروپا دارای نهادهای دموکراتیک مانند پارلمان اروپا و کمیسیون اروپا است که توسط شهروندان اتحادیه اروپا انتخاب می‌شوند.
- مقایسه با سایر گزینه‌ها:

- باز: نظام‌های باز بر اساس رقابت و تنش بین دولت‌ها بنا شده‌اند. این کشورها اهداف و منافع متفاوتی را دنبال می‌کنند و ممکن است برای تامین منافع خود با یکدیگر درگیری داشته باشند. در نظام‌های باز، دموکراسی نقش کمتری در روابط بین‌الملل ایفا می‌کند.
- بسته: نظام‌های بسته بر اساس انزوا و عدم همکاری بین دولت‌ها بنا شده‌اند. این کشورها روابط محدودی با یکدیگر دارند و در تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی مشارکت فعال ندارند. در نظام‌های بسته، دموکراسی نقش بسیار کمی در روابط بین‌الملل ایفا می‌کند.
- واگرا: نظام‌های واگرا بر اساس اختلافات و تضادهای فزاینده بین دولت‌ها بنا شده‌اند. این کشورها اهداف و منافع متفاوتی را دنبال می‌کنند و ممکن است در آستانه درگیری باشند. در نظام‌های واگرا، دموکراسی نقش بسیار کمی در روابط بین‌الملل ایفا می‌کند.

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

- باز: نظام‌های باز بر اساس رقابت و تنش بین دولت‌ها بنا شده‌اند و دموکراسی نقش کمتری در آنها ایفا می‌کند.
  - بسته: نظام‌های بسته بر اساس انزوا و عدم همکاری بین دولت‌ها بنا شده‌اند و دموکراسی نقش بسیار کمی در آنها ایفا می‌کند.
  - واگرا: نظام‌های واگرا بر اساس اختلافات و تضادهای فزاینده بین دولت‌ها بنا شده‌اند و دموکراسی نقش بسیار کمی در آنها ایفا می‌کند.
- گزینه ۱) ۳۴

دلایل صحت گزینه ۱:

- ماهیت بحران ژئوپلیتیکی: بحران ژئوپلیتیکی به وضعیتی اشاره دارد که در آن منافع یا امنیت یک یا چند کشور به طور جدی در معرض خطر قرار می‌گیرد. این بحران‌ها می‌توانند ناشی از عوامل مختلفی مانند اختلافات ارضی، رقابت بر سر منابع، تنش‌های ایدئولوژیک یا مداخلات خارجی باشند.
- معابر ترانزیتی: معابر ترانزیتی مسیرهای مهمی برای جابجایی کالا، افراد و اطلاعات هستند. کنترل این معابر می‌تواند برای کشورها از نظر اقتصادی، سیاسی و نظامی اهمیت زیادی داشته باشد. اختلافات بر سر کنترل معابر ترانزیتی می‌تواند به بحران‌های ژئوپلیتیکی منجر شود.
- خط تقسیم آبهای مرزی: خط تقسیم آبهای مرزی بین دو حوضه آبریز را مشخص می‌کند. این خطوط می‌توانند برای کشورها از نظر منابع آب اهمیت زیادی داشته باشند. اختلافات بر سر خطوط تقسیم آبهای مرزی می‌تواند به بحران‌های ژئوپلیتیکی منجر شود.
- جدایی‌طلبی اقلیت‌های داخلی: جدایی‌طلبی اقلیت‌های داخلی به تمایل گروهی از مردم برای جدایی از یک کشور و تشکیل یک کشور مستقل اشاره دارد. این موضوع می‌تواند ثبات و امنیت یک کشور را به خطر اندازد و به بحران‌های ژئوپلیتیکی منجر شود.
- مثال: اختلافات بر سر کنترل تنگه هرمز، مناقشه بر سر رودخانه نیل و جدایی‌طلبی اقلیت کُرد در ترکیه نمونه‌هایی از بحران‌های ژئوپلیتیکی مرتبط با معابر ترانزیتی، خطوط تقسیم آبهای مرزی و جدایی‌طلبی اقلیت‌های داخلی هستند.
- مقایسه با سایر گزینه‌ها:
- چالش ژئوپلیتیکی: چالش ژئوپلیتیکی به وضعیتی اشاره دارد که در آن یک کشور با موانع یا محدودیت‌هایی در زمینه‌های مختلف مانند امنیت، اقتصاد یا سیاست مواجه می‌شود. این چالش‌ها می‌توانند ناشی از عوامل مختلفی مانند ضعف اقتصادی، ناپایداری سیاسی یا تهدیدات خارجی باشند. بحران‌های ژئوپلیتیکی نوع شدیدتری از چالش‌های ژئوپلیتیکی هستند که در آنها منافع یا امنیت یک یا چند کشور به طور جدی در معرض خطر قرار می‌گیرد.



- کنترل ژئوپلیتیکی: کنترل ژئوپلیتیکی به توانایی یک کشور برای اعمال قدرت و نفوذ بر سایر کشورها یا مناطق اشاره دارد. این کنترل می‌تواند از طریق ابزارهای مختلفی مانند قدرت نظامی، قدرت اقتصادی یا قدرت فرهنگی اعمال شود. بحران‌های ژئوپلیتیکی می‌توانند به تغییر در توازن قدرت در منطقه یا جهان منجر شوند و روابط قدرت بین کشورها را تحت تأثیر قرار دهند.
- منارعه ژئوپلیتیکی: منارعه ژئوپلیتیکی به درگیری یا رقابت بین دو یا چند کشور برای دستیابی به اهداف یا منافع خود اشاره دارد. این درگیری‌ها می‌توانند از طریق ابزارهای مختلفی مانند جنگ، تحریم اقتصادی یا دیپلماسی انجام شوند. بحران‌های ژئوپلیتیکی می‌توانند به تشدید منازعات ژئوپلیتیکی منجر شوند و ثبات و امنیت منطقه یا جهان را به خطر اندازند.

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

- چالش ژئوپلیتیکی: بحران‌های ژئوپلیتیکی نوع شدیدتری از چالش‌های ژئوپلیتیکی هستند.
  - کنترل ژئوپلیتیکی: بحران‌های ژئوپلیتیکی می‌توانند به تغییر در توازن قدرت و روابط قدرت بین کشورها منجر شوند.
  - منارعه ژئوپلیتیکی: بحران‌های ژئوپلیتیکی می‌توانند به تشدید منازعات ژئوپلیتیکی منجر شوند.
- گزینه ۴)

دلایل صحت گزینه ۴:

- سابقه تاریخی: پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱، ۱۴ جمهوری در آسیای مرکزی، قفقاز و اروپای شرقی استقلال یافتند. این جمهوری‌ها که زمانی جزئی از اتحاد جماهیر شوروی بودند، روابط تاریخی، فرهنگی و اقتصادی نزدیکی با روسیه دارند.
- منافع ژئوپلیتیکی: روسیه این ۱۴ جمهوری را به عنوان حوزه‌ای با اهمیت ژئوپلیتیکی برای خود می‌داند. این کشور به دنبال حفظ نفوذ خود در این منطقه و جلوگیری از نفوذ قدرت‌های خارجی مانند ایالات متحده، اتحادیه اروپا و ترکیه است.
- امنیت ملی: روسیه نگران بی‌ثباتی و ناامنی در این ۱۴ جمهوری است. این بی‌ثباتی می‌تواند به فعالیت گروه‌های تروریستی، قاچاق مواد مخدر و جرایم سازمان یافته منجر شود و امنیت ملی روسیه را به خطر اندازد.
- مثال: روسیه در سال ۲۰۱۴ برای الحاق شبه جزیره کریمه از اوکراین، یکی از این ۱۴ جمهوری، اقدام نظامی کرد. این اقدام نشان‌دهنده اهتمام روسیه به حفظ نفوذ خود در این منطقه است.
- مقایسه با سایر گزینه‌ها:

- آسیای مرکزی: آسیای مرکزی شامل پنج جمهوری شوروی سابق (قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان) می‌شود. این جمهوری‌ها بخشی از حوزه «خارج نزدیک» روسیه محسوب می‌شوند، اما تمام آن را شامل نمی‌شوند.
- قفقاز: قفقاز شامل سه جمهوری شوروی سابق (آذربایجان، ارمنستان و گرجستان) می‌شود. این جمهوری‌ها نیز بخشی از حوزه «خارج نزدیک» روسیه محسوب می‌شوند، اما تمام آن را شامل نمی‌شوند.
- اروپای شرقی: اروپای شرقی شامل تعدادی از کشورهای اروپایی می‌شود که زمانی تحت نفوذ شوروی بودند. برخی از این کشورها مانند اوکراین، بلاروس و مولداوی بخشی از حوزه «خارج نزدیک» روسیه محسوب می‌شوند، اما تمام اروپای شرقی را شامل نمی‌شوند.

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

- آسیای مرکزی: آسیای مرکزی فقط بخشی از حوزه «خارج نزدیک» روسیه را شامل می‌شود.
  - قفقاز: قفقاز فقط بخشی از حوزه «خارج نزدیک» روسیه را شامل می‌شود.
  - اروپای شرقی: اروپای شرقی فقط شامل برخی از کشورهای حوزه «خارج نزدیک» روسیه می‌شود.
- گزینه ۴)

دلایل صحت گزینه ۴:

- تغییر در نظم جهانی: یکپارچگی ۲ آلمان در سال ۱۹۹۰ میلادی، پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را به دنبال داشت. این رویدادها نظم جهانی دوقطبی را که از جنگ جهانی دوم حاکم بود، به پایان رساند و دوره جدیدی در روابط بین‌الملل را آغاز کرد.
- ظهور قدرت‌های جدید: با فروپاشی شوروی، ایالات متحده آمریکا به عنوان تنها قدرت برتر جهانی باقی ماند. با این حال، قدرت‌های جدیدی مانند چین، هند و اتحادیه اروپا نیز در حال ظهور بودند. این امر نظام چندقطبی جدیدی را در روابط بین‌الملل ایجاد کرد.
- جهانی شدن: پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی راه را برای جهانی شدن باز کرد. این امر به افزایش تجارت، سرمایه‌گذاری و تبادلات فرهنگی بین کشورها منجر شد.
- مثال: تشکیل اتحادیه اروپا، گسترش ناتو و ظهور قدرت‌های اقتصادی جدید مانند چین و هند نمونه‌هایی از تغییرات ژئوپلیتیکی هستند که پس از یکپارچگی ۲ آلمان رخ داده‌اند.



• مقایسه با سایر گزینه‌ها:

- پایان جنگ سرد: پایان جنگ سرد شروعی برای ژئوپلیتیک فرامردن بود، اما به تنهایی آن را آغاز نکرد.
- جنگ دوم خلیج فارس: جنگ دوم خلیج فارس یک رویداد مهم در ژئوپلیتیک فرامردن بود، اما آغازگر آن نبود.
- حادثه ۱۱ سپتامبر: حادثه ۱۱ سپتامبر تاثیر عمیقی بر ژئوپلیتیک فرامردن داشت، اما آغازگر آن نبود.

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

- پایان جنگ سرد: پایان جنگ سرد شروعی برای ژئوپلیتیک فرامردن بود، اما به تنهایی آن را آغاز نکرد.
- جنگ دوم خلیج فارس: جنگ دوم خلیج فارس یک رویداد مهم در ژئوپلیتیک فرامردن بود، اما آغازگر آن نبود.
- حادثه ۱۱ سپتامبر: حادثه ۱۱ سپتامبر تاثیر عمیقی بر ژئوپلیتیک فرامردن داشت، اما آغازگر آن نبود.

گزینه ۱) ۳۷.

در این سوال، از بین چهار گزینه ارائه شده، گزینه ۱ (سامان، سرحد و مرز) به عنوان ابعاد سه گانه مفهومی فضایی برای تعیین پیرامون‌های سرزمینی یک کشور با یک جامعه انسانی معرفی شده است.

دلایل صحت گزینه ۱:

- سامان: سامان به محیط جغرافیایی و کالبدی یک کشور اشاره دارد که شامل عناصری مانند توپوگرافی، آب و هوا، منابع طبیعی و پوشش گیاهی می‌شود. سامان یک کشور تا حد زیادی هویت و انسجام ملی آن را شکل می‌دهد.
- سرحد: سرحد به خط فرضی که قلمرو یک کشور را از قلمرو کشور دیگر جدا می‌کند، اشاره دارد. سرحدها می‌توانند طبیعی (مانند رودخانه یا کوه) یا مصنوعی (مانند دیوار یا حصار) باشند.
- مرز: مرز به نوار یا منطقه‌ای در امتداد سرحد یک کشور اشاره دارد که در آن حکومت آن کشور اعمال قدرت و نفوذ می‌کند. مرزها می‌توانند باز، بسته یا نیمه‌باز باشند.
- مثال: ایران از نظر سامان دارای تنوع جغرافیایی بالایی است، از کوه‌های البرز و زاگرس تا کویر لوت و خلیج فارس. سرحدات ایران با کشورهای همسایه مانند ترکیه، عراق و افغانستان مشخص شده‌اند. مرزهای ایران شامل مناطق مرزی با این کشورها و همچنین مناطق داخلی تحت کنترل دولت ایران می‌شود.

• مقایسه با سایر گزینه‌ها:

- دولت، ملت و حاکمیت: این گزینه به ساختار سیاسی یک کشور اشاره دارد، نه به ابعاد فضایی آن.
- دولت، ملت و نظام اجتماعی: این گزینه به عناصر اجتماعی و فرهنگی یک کشور اشاره دارد، نه به ابعاد فضایی آن.
- سرزمین، حکومت و مرز: این گزینه فقط دو تا از ابعاد سه گانه مفهومی فضایی را شامل می‌شود.

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

- دولت، ملت و حاکمیت: این گزینه به ساختار سیاسی یک کشور اشاره دارد، نه به ابعاد فضایی آن.
- دولت، ملت و نظام اجتماعی: این گزینه به عناصر اجتماعی و فرهنگی یک کشور اشاره دارد، نه به ابعاد فضایی آن.
- سرزمین، حکومت و مرز: این گزینه فقط دو تا از ابعاد سه گانه مفهومی فضایی را شامل می‌شود.

گزینه ۲) ۳۸.

دلایل صحت گزینه ۲:

- تعریف: مناطق فشار به سرزمین‌هایی گفته می‌شود که به دلیل وجود تنش‌ها و درگیری‌های داخلی یا خارجی در معرض بی‌ثباتی و ناامنی دائمی قرار دارند. این تنش‌ها و درگیری‌ها می‌توانند ناشی از عواملی مانند جنگ‌های داخلی، مداخلات خارجی، اختلافات قومی یا مذهبی، رقابت بر سر منابع طبیعی و یا فقدان حاکمیت مرکزی قوی باشند.

ویژگی‌ها:

- بی‌ثباتی سیاسی: در این مناطق، دولت‌ها ضعیف و ناپایدار هستند و غالباً توسط گروه‌های شورشی یا شبه‌نظامی به چالش کشیده می‌شوند.
- خشونت و ناامنی: خشونت و ناامنی در این مناطق رایج است و مردم به طور مداوم در معرض خطر جانی و مالی قرار دارند.
- مهاجرت اجباری: مردم این مناطق به دلیل خشونت و ناامنی، مجبور به ترک خانه‌های خود و مهاجرت به مناطق امن‌تر می‌شوند.
- مداخله خارجی: کشورهای خارجی غالباً در امور داخلی مناطق فشار مداخله می‌کنند و این امر به تشدید تنش‌ها و درگیری‌ها دامن می‌زند.



- مثال: خاورمیانه، به ویژه سوریه، یمن و عراق، نمونه‌هایی از مناطق فشار هستند که به دلیل جنگ‌های داخلی و مداخلات خارجی در معرض بی‌ثباتی و ناامنی دائمی قرار دارند.
- مقایسه با سایر گزینه‌ها:

- مناطق درهم: مناطق درهم به سرزمین‌هایی گفته می‌شود که در آنها دو یا چند گروه قومی یا مذهبی با فرهنگ‌ها و هویت‌های متمایز در کنار هم زندگی می‌کنند. این امر می‌تواند منجر به تنش‌ها و درگیری‌ها بین این گروه‌ها شود. با این حال، مناطق درهم لزوماً در معرض بی‌ثباتی و ناامنی دائمی قرار ندارند.
- مناطق بیرونی: مناطق بیرونی به سرزمین‌هایی گفته می‌شود که در حاشیه مراکز قدرت و ثروت قرار دارند. این مناطق غالباً از نظر اقتصادی و اجتماعی توسعه نیافته هستند و از خدمات و امکانات دولتی کافی برخوردار نیستند. با این حال، مناطق بیرونی لزوماً در معرض بی‌ثباتی و ناامنی دائمی قرار ندارند.
- نوار شکننده: نوار شکننده به نوار باریکی از سرزمین گفته می‌شود که بین دو یا چند قدرت بزرگ قرار دارد. این نوارها غالباً محل منازعات و درگیری‌ها بین قدرت‌های بزرگ هستند. با این حال، نوار شکننده لزوماً به دلیل جنگ‌های داخلی یا اقدامات مداخله جویانه از هم جدا نمی‌شوند.

#### دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

- مناطق درهم: مناطق درهم لزوماً در معرض بی‌ثباتی و ناامنی دائمی قرار ندارند.
  - مناطق بیرونی: مناطق بیرونی لزوماً در معرض بی‌ثباتی و ناامنی دائمی قرار ندارند.
  - نوار شکننده: نوار شکننده لزوماً به دلیل جنگ‌های داخلی یا اقدامات مداخله جویانه از هم جدا نمی‌شوند.
- گزینه ۲) ۳۹.

#### دلایل صحت گزینه ۲:

- تعریف: ژرفای ژئوپلیتیک به ادامه قدرت و نفوذ یک کشور در ورای مرزهای رسمی آن اشاره دارد. این قدرت و نفوذ می‌تواند از طریق ابزارهای مختلفی مانند روابط اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و نظامی اعمال شود.
- اهمیت: ژرفای ژئوپلیتیک برای کشورهای قدرتمند از اهمیت بالایی برخوردار است. این کشورها از طریق ژرفای ژئوپلیتیک می‌توانند منافع و اهداف خود را در سطح بین‌المللی دنبال کنند و بر سایر کشورها تاثیر بگذارند.
- مثال: ایالات متحده آمریکا از طریق ژرفای ژئوپلیتیک خود در خاورمیانه، روابط نزدیکی با کشورهای این منطقه دارد و در مسائل سیاسی، اقتصادی و امنیتی این منطقه نقش آفرینی می‌کند.
- مقایسه با سایر گزینه‌ها:

- پسازئوپلیتیک: پسازئوپلیتیک به فضای جغرافیایی واسط بین دو یا چند منطقه ژئوپلیتیک اشاره دارد. این فضا غالباً از نظر سیاسی و اقتصادی از اهمیت بالایی برخوردار است. با این حال، پسازئوپلیتیک به معنای ادامه فضای جغرافیایی حوزه نفوذ قدرت‌ها در ماورای مرزهای بین‌المللی نیست.
- عقبه ژئوپلیتیک: عقبه ژئوپلیتیک به پایگاه‌های قدرت و نفوذ یک کشور در داخل مرزهای آن اشاره دارد. این پایگاه‌ها می‌توانند شامل منابع طبیعی، زیرساخت‌ها، مراکز علمی و تحقیقاتی، و پایگاه‌های نظامی باشند. با این حال، عقبه ژئوپلیتیک به معنای ادامه فضای جغرافیایی حوزه نفوذ قدرت‌ها در ماورای مرزهای بین‌المللی نیست.
- حوزه نفوذ ژئوپلیتیک: حوزه نفوذ ژئوپلیتیک به منطقه‌ای اشاره دارد که در آن یک کشور قدرت و نفوذ قابل توجهی دارد. این قدرت و نفوذ می‌تواند از طریق ابزارهای مختلفی مانند روابط اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و نظامی اعمال شود. با این حال، حوزه نفوذ ژئوپلیتیک لزوماً به معنای ادامه فضای جغرافیایی آن در ماورای مرزهای بین‌المللی نیست.

#### دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

- پسازئوپلیتیک: پسازئوپلیتیک به فضای جغرافیایی واسط بین دو یا چند منطقه ژئوپلیتیک اشاره دارد، نه به ادامه فضای جغرافیایی حوزه نفوذ قدرت‌ها در ماورای مرزهای بین‌المللی.
  - عقبه ژئوپلیتیک: عقبه ژئوپلیتیک به پایگاه‌های قدرت و نفوذ یک کشور در داخل مرزهای آن اشاره دارد، نه به ادامه فضای جغرافیایی حوزه نفوذ قدرت‌ها در ماورای مرزهای بین‌المللی.
  - حوزه نفوذ ژئوپلیتیک: حوزه نفوذ ژئوپلیتیک لزوماً به معنای ادامه فضای جغرافیایی آن در ماورای مرزهای بین‌المللی نیست.
- گزینه ۱) ۴۰.

در این سوال، از بین چهار گزینه ارائه شده، گزینه ۱ (مستقل است) به عنوان منطقه‌ای در نظریه ساختار ژئوپلیتیکی کوهن که به شبه قاره هند اختصاص داده شده است معرفی شده است.

**دلایل صحت گزینه ۱:**

• نظریه ساختار ژئوپلیتیکی کوهن: در این نظریه، جهان به سه منطقه اصلی تقسیم می‌شود: منطقه مرکزی: این منطقه شامل اروپای غربی و آمریکای شمالی می‌شود و از نظر اقتصادی، سیاسی و نظامی قدرتمندترین منطقه جهان است.

منطقه پیرامونی: این منطقه شامل کشورهای در حال توسعه می‌شود و از نظر اقتصادی، سیاسی و نظامی به منطقه مرکزی وابسته است. منطقه نیمه پیرامونی: این منطقه شامل کشورهایی مانند هند، چین و برزیل می‌شود که از نظر اقتصادی و سیاسی در حال رشد هستند و در حال کسب استقلال بیشتر از منطقه مرکزی هستند.

• شبه قاره هند: طبق نظریه کوهن، شبه قاره هند به دلیل جمعیت زیاد، اقتصاد در حال رشد و موقعیت استراتژیک خود، در منطقه نیمه پیرامونی قرار دارد. این بدان معناست که هند یک کشور مستقل است و به طور کامل به منطقه مرکزی وابسته نیست.

• مثال: هند در سال‌های اخیر روابط اقتصادی و سیاسی خود با کشورهای دیگر، از جمله چین و روسیه را تقویت کرده است. این امر نشان‌دهنده استقلال بیشتر هند در سیاست خارجی آن است.

• **مقایسه با سایر گزینه‌ها:**

- تابع است: طبق نظریه کوهن، هند یک کشور تابع منطقه مرکزی نیست.
- گذرگاهی است: هند به دلیل موقعیت جغرافیایی خود، یک گذرگاه مهم بین شرق و غرب است. با این حال، این بدان معنا نیست که هند فقط یک گذرگاه باشد و هویت و منافع خود را نداشته باشد.
- خردشده و شکننده است: هند یک کشور واحد با تاریخ و فرهنگ مشترک است. با این حال، این بدان معنا نیست که هند یک کشور خردشده و شکننده باشد.

**دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:**

- تابع است: طبق نظریه کوهن، هند یک کشور تابع منطقه مرکزی نیست.
- گذرگاهی است: هند به دلیل موقعیت جغرافیایی خود، یک گذرگاه مهم بین شرق و غرب است. با این حال، این بدان معنا نیست که هند فقط یک گذرگاه باشد و هویت و منافع خود را نداشته باشد.
- خردشده و شکننده است: هند یک کشور واحد با تاریخ و فرهنگ مشترک است. با این حال، این بدان معنا نیست که هند یک کشور خردشده و شکننده باشد.

**گزینه ۲)**

گزینه ۲، اقلیت‌های اکولوژیکی، پاسخ صحیح به این سوال در حوزه جغرافیای سیاسی است. در ادامه، به تشریح کامل این گزینه و تحلیل دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها می‌پردازیم:

**تعریف اقلیت‌های اکولوژیکی:**

اقلیت‌های اکولوژیکی گروه‌هایی از مردم هستند که در یک محیط زیست خاص زندگی می‌کنند و فرهنگ، زبان و شیوه زندگی آنها با آن محیط زیست به طور عمیقی پیوند خورده است. این گروه‌ها اغلب به دلیل وابستگی به منابع طبیعی خاص یا به دلیل شیوه‌های سنتی زندگی خود، از اکثریت جمعیت متمایز می‌شوند.

**ویژگی‌های اقلیت‌های اکولوژیکی:**

- وابستگی به محیط زیست: اقلیت‌های اکولوژیکی به طور عمیقی به محیط زیست خود وابسته هستند و شیوه زندگی آنها با آن سازگار شده است. آنها ممکن است به منابع طبیعی خاصی مانند آب، زمین یا گیاهان دارویی برای بقای خود متکی باشند.
- فرهنگ و زبان منحصر به فرد: اقلیت‌های اکولوژیکی اغلب فرهنگ و زبان منحصر به فرد خود را دارند که با محیط زیست آنها مرتبط است. این فرهنگ و زبان ممکن است شامل دانش سنتی در مورد محیط زیست و نحوه استفاده پایدار از آن باشد.
- تهدید به هویت: اقلیت‌های اکولوژیکی اغلب به دلیل تغییرات زیست محیطی، توسعه اقتصادی یا سیاست‌های دولتی با تهدید هویت خود مواجه هستند. این تهدیدها می‌توانند منجر به از دست دادن زمین، منابع و شیوه‌های زندگی سنتی آنها شود.

**دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:**

- اقلیت‌های اجتماعی: این اصطلاح به گروه‌هایی از مردم اطلاق می‌شود که از نظر اجتماعی، اقتصادی یا سیاسی از اکثریت جمعیت متمایز هستند. اقلیت‌های اجتماعی لزوماً به محیط زیست خاصی وابسته نیستند.
- اقلیت‌های تاریخی: این اصطلاح به گروه‌هایی از مردم اطلاق می‌شود که سابقه طولانی در یک منطقه خاص دارند. اقلیت‌های تاریخی ممکن است به محیط زیست خاصی وابسته نباشند و فرهنگ و زبان آنها لزوماً با آن محیط زیست مرتبط نباشد.



- **اقلیت‌های فضایی:** این اصطلاح به گروه‌هایی از مردم اطلاق می‌شود که در یک فضای فیزیکی خاص زندگی می‌کنند. اقلیت‌های فضایی ممکن است به محیط زیست خاصی وابسته نباشند و فرهنگ و زبان آنها لزوماً با آن محیط زیست مرتبط نباشد.

گزینه ۴.

**تعریف منطقه:**

منطقه به بخشی از فضای جغرافیایی اطلاق می‌شود که دارای یک یا چند ویژگی مشترک مانند فیزیکی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی یا اجتماعی باشد. این ویژگی‌های مشترک، منطقه را از مناطق مجاور متمایز می‌کند و به آن هویت و پویایی خاص خود را می‌بخشد.

**ویژگی‌های مناطق:**

- **همگنی:** مناطق معمولاً از نظر یک یا چند ویژگی مشترک همگن هستند. این همگنی می‌تواند در زمینه‌های مختلفی مانند آب و هوا، توپوگرافی، پوشش گیاهی، تراکم جمعیت، فعالیت‌های اقتصادی، فرهنگ، زبان، مذهب یا نظام سیاسی باشد.
- **مقیاس:** مناطق می‌توانند در مقیاس‌های مختلفی از محلی تا جهانی وجود داشته باشند. به عنوان مثال، می‌توان از خاورمیانه به عنوان یک منطقه در مقیاس جهانی، یا از منطقه خلیج فارس به عنوان یک منطقه در مقیاس منطقه‌ای یاد کرد.
- **پویایی:** مناطق پویا هستند و در طول زمان تغییر می‌کنند. این تغییرات می‌تواند ناشی از عوامل مختلفی مانند تغییرات آب و هوایی، مهاجرت، توسعه اقتصادی یا تحولات سیاسی باشند.

**دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:**

• **قلمرو:** قلمرو به سرزمینی اطلاق می‌شود که تحت حاکمیت یک دولت خاص قرار دارد. قلمروها دارای مرزهای مشخصی هستند و از نظر سیاسی و حقوقی به عنوان واحدهای مستقلی شناخته می‌شوند.

• **سرحد:** سرحد به خط یا مرزی اطلاق می‌شود که دو قلمرو را از یکدیگر جدا می‌کند. سرحدها می‌توانند طبیعی (مانند رودخانه یا کوه) یا مصنوعی (مانند دیوار یا حصار) باشند.

• **ناحیه:** ناحیه به بخشی از فضای جغرافیایی اطلاق می‌شود که از نظر یک یا چند ویژگی خاص با مناطق مجاور خود تفاوت داشته باشد. ناحیه‌ها معمولاً کوچکتر از مناطق هستند و ممکن است در درون یک منطقه بزرگتر قرار داشته باشند.

گزینه ۳.

گزینه ۳، **رقابت بین قطب‌ها**، پاسخ صحیح به این سوال در حوزه جغرافیای سیاسی است. در ادامه، به تشریح کامل این گزینه و تحلیل دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها می‌پردازیم:

**تعریف رقابت بین قطب‌ها:**

رقابت بین قطب‌ها به پویایی‌های سیاسی و اقتصادی بین قدرت‌های بزرگ در یک نظام چند قطبی متوازن اشاره دارد. در این نظام، قدرت‌ها برای افزایش نفوذ و منافع خود در سطح منطقه‌ای و جهانی با یکدیگر رقابت می‌کنند. این رقابت می‌تواند در زمینه‌های مختلفی مانند نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیک باشد.

**ویژگی‌های رقابت بین قطب‌ها:**

- **عدم تقابل مستقیم:** رقابت بین قطب‌ها برخلاف تقابل، به معنای جنگ مستقیم و تمام‌عیار بین قدرت‌ها نیست. قدرت‌ها در یک نظام چند قطبی متوازن به دنبال حفظ ثبات و نظم بین‌المللی هستند و از درگیری مستقیم با یکدیگر اجتناب می‌کنند.
- **استفاده از ابزارهای مختلف:** قدرت‌ها در رقابت با یکدیگر از ابزارهای مختلفی مانند قدرت سخت (نظامی) و قدرت نرم (فرهنگی، اقتصادی و سیاسی) استفاده می‌کنند.
- **تغییر در توازن قدرت:** رقابت بین قطب‌ها می‌تواند منجر به تغییر در توازن قدرت در سطح منطقه‌ای و جهانی شود. قدرتی که در رقابت با سایر قدرت‌ها موفق‌تر باشد، نفوذ و منافع خود را افزایش می‌دهد.

**دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:**

• **همکاری بین قطب‌ها:** همکاری بین قطب‌ها در برخی موارد ممکن است اتفاق بیفتد، اما این امر ویژگی اصلی یک نظام چند قطبی متوازن نیست.

• **تقابل بین قطب‌ها:** تقابل به معنای جنگ مستقیم و تمام‌عیار بین قدرت‌ها است و در یک نظام چند قطبی متوازن نادر است.

• **وفاداری درون سازه قطب‌ها:** وفاداری درون سازه قطب‌ها به معنای تعهد قدرت‌ها به متحدان خود در یک بلوک قدرت است. این امر تا حدودی در یک نظام چند قطبی متوازن وجود دارد، اما ویژگی اصلی این نظام نیست.

گزینه ۳.

گزینه ۳، **جغرافیای سیاسی**، پاسخ صحیح به این سوال در حوزه جغرافیای سیاسی است. در ادامه، به تشریح کامل این گزینه و تحلیل دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها می‌پردازیم: